

۷ ویژگی فضایی حیاط مرکزی در خانه‌های تهران و قم

۱۵ آذر ۱۴۰۴ | سکرو

در هیاهوی امروز کلان‌شهرهایی چون تهران و قم، جایی که برج‌های بلند نفس شهر را گرفته‌اند، تصور فضایی که در آن آسمان آبی قاب گرفته شده باشد و صدای آبِ حوض، جایگزین بوق ماشین‌ها شود، شبیه به رویاست. اما تا همین صد سال پیش، این رویا واقعیت زندگی روزمره مردم بود. **حیاط مرکزی (میان‌سرا)** در **معماری** فلات مرکزی ایران، تنها یک فضای باز نبود؛ بلکه "قلب تپنده" خانه بود. اتاقی بود بدون سقف که تمام اتاق‌های دیگر به احترامش گرد آن حلقه زده بودند.

اگرچه تهران (در کوهپایه‌های البرز) و قم (در حاشیه کویر مرکزی) تفاوت‌هایی در اقلیم و فرهنگ دارند، اما الگوی حیاط مرکزی در هر دو شهر، پاسخی هوشمندانه به نیازهای اقلیمی و فرهنگی بوده است. در این مقاله تحلیلی از **سکرو**، به واکاوی ۷ ویژگی حیاتی این فضاها می‌پردازیم؛ ویژگی‌هایی که امروز بیش از هر زمان دیگری برای نجات معماری بی‌هویت‌مان به بازخوانی آن‌ها نیاز داریم.

تیم کارشناسان سکرو، مرجع تخصصی معماری ایرانی، در کنار شماست. برای دریافت مشاوره و خدمات، همین حالا کلیک کنید:

[پیام در واتس‌آپ](#)

[پیام در تلگرام](#)

۱. درون‌گرایی و محرمیت؛ معماری حجاب و حرمت

مشترک‌ترین ویژگی در خانه‌های قدیم تهران (مثل خانه مومنان‌الاطبا) و قم (مثل خانه زند)، اصل "**درون‌گرایی**" است. در فرهنگ ایرانی-اسلامی، خانه حریم امن خانواده است و نباید در معرض دید نامحرم باشد. حیاط مرکزی، راهکاری نبوغ‌آمیز برای حل این مسئله بود.

• **دیوارهای بلند و صلب:** نمای بیرونی خانه در کوچه‌های تنگ قم و تهران، دیواری بلند و کاهگلی بود که هیچ روزنه‌ای به درون نداشت. این دیوار، "پوسته محافظ" بود.

• **جلوه‌گری در درون:** تمام زیبایی‌ها، تزیینات، باغچه و آب‌نما در دل خانه (حیاط) نهان می‌شد.

• **تفاوت تهران و قم:** در قم به دلیل بافت مذهبی‌تر و اقلیم گرم‌تر، این درون‌گرایی شدیدتر است. حیاط‌ها عمیق‌تر و دیوارها بلندترند تا سایه بیشتری تولید کنند. اما در تهران دوره قاجار، گاهی شاهد حیاط‌هایی دلبازتر با تأثیرپذیری اندک از معماری کارت‌پستالی هستیم، هرچند اصل محرمیت همچنان خط قرمز بود.



معماری حجاب؛ دیوارهای بلند که زیبایی درون را از چشم نامحرم می‌پوشانند.

۲. هندسه و تناسبات؛ "نسبت طلایی" فضای خالی

حیات ایرانی یک زمین خاکی بی‌شکل نیست؛ بلکه هندسه‌ای دقیق و ریاضی‌وار دارد. معمولاً مستطیل‌شکل است و از تناسبات "پیمون" پیروی می‌کند.

- **کشیدگی شمالی-جنوبی:** در اکثر خانه‌های تهران و قم، حیات در امتداد محور شمال-جنوب کشیده شده است. این جهت‌گیری اتفاقی نیست؛ بلکه برای استفاده حداکثری از نور خورشید در زمستان و ایجاد سایه در تابستان تنظیم شده است.

- **محور تقارن:** یک محور نامرئی از وسط حیات می‌گذرد که حوض آب دقیقاً روی آن قرار می‌گیرد. این تقارن، به ذهن بیننده آرامش و تعادل می‌دهد.

- **تفاوت مقیاس:** در خانه‌های اعیانی تهران، حیاطها بسیار وسیع و گاهی شامل دو بخش "بیرونی" و "اندرونی" بودند. اما در بافت متراکم قم، حیاطها اغلب کوچک‌تر، گودتر و فشرده‌ترند تا در برابر بادهای کویری و گرد و غبار مقاوم باشند.

۳. گودال‌باغچه و اختلاف سطح؛ مهندسی خنکی (به‌ویژه در قم)

یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های فضایی که بیشتر در قم (و کاشان) دیده می‌شود و در تهران کمتر رایج است، الگوی "گودال‌باغچه" است. در این الگو، حیات اصلی یک طبقه پایین‌تر از سطح کوچه قرار می‌گیرد. چرا؟

1. **دسترسی به آب قنات:** پایین رفتن حیات باعث می‌شد دسترسی به آب جاری قنات راحت‌تر باشد و فشار آب برای پر کردن حوض کافی باشد.

2. **عایق حرارتی خاک:** قرار گرفتن اتاق‌ها در دل خاک، باعث می‌شد دمای آن‌ها در تابستان‌های سوزان قم خنک و در زمستان‌های سرد، گرم بماند.

3. **حبس هوای خنک:** هوای سرد سنگین‌تر است و شب‌هنگام در گودال حیات جمع می‌شود و تا اواسط روز بعد باقی می‌ماند.

در تهران، به دلیل بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی در برخی مناطق و اقلیم معتدل‌تر، حیاطها معمولاً هم‌سطح یا با اختلاف سطح کمی نسبت به کوچه ساخته می‌شدند، اما زیرزمین‌ها همچنان نقش آب‌انبار و فضای خنک تابستانی را داشتند.



گودال‌باغچه؛ مهندسی خنکی با پناه بردن به دل خاک و دسترسی به قنات.

۴. نظام فصل‌بندی فضا (زمستان‌نشین و تابستان‌نشین) □□□□

حیات مرکزی یک فضای "استاتیک" و ثابت نبود؛ بلکه مانند یک ساعت خورشیدی عمل می‌کرد که زندگی ساکنین را تنظیم می‌کرد. معماری حیات بر اساس رقص خورشید طراحی می‌شد:

- **جبهه شمالی حیات (زمستان‌نشین):** این بخش رو به جنوب است و در طول زمستان‌های تهران و قم، آفتاب مایل به عمق اتاق‌هایش (معمولاً پنج‌دری یا تالار اصلی) می‌تابد. ساکنین در زمستان به این سمت کوچ می‌کردند.

- **جبهه جنوبی حیات (تابستان‌نشین):** این بخش پشت به آفتاب است و تمام روز در سایه قرار دارد. دیوارهای ضخیم و بادگیرها (در قم) یا پنجره‌های ارسی (در تهران) کمک می‌کردند این فضاها در تابستان قابل سکونت باشند.

این "مهاجرت داخلی" دورادور حیات، باعث می‌شد خانواده در تمام فصول سال، بهترین شرایط اقلیمی را بدون صرف انرژی تجربه کند.



نظام فصل‌بندی؛ خانه مانند یک ساعت خورشیدی عمل می‌کند و ساکنان را با رقص نور هدایت می‌کند.

۵. حوض و باغچه؛ میکرو-کلایمت (ریزاقلیم) حیاتی □□

در اقلیم خشک قم و نیمه‌خشک تهران، حیات بدون آب و درخت معنا ندارد. حیات نقش یک "تعدیل‌کننده هوا" را بازی می‌کند.

- **کولر آبی طبیعی:** تبخیر سطحی آب حوض در اثر وزش نسیم، رطوبت هوا را بالا می‌برد و دما را چند درجه کاهش می‌دهد.

- **انتخاب هوشمندانه گیاهان:** در قم معمولاً درختان مقاوم مثل انار، انجیر و پسته کاشته می‌شد. در تهران، درختان چنار، کاج، یاس و انگور رایج‌تر بود.

- **عملکرد سایه‌اندازی:** درختان معمولاً در چهار کنج باغچه کاشته می‌شدند تا با سایه خود، از گرم شدن بیش از حد کف حیات جلوگیری کنند، اما جلوی دید به نمای اصلی ساختمان را نگیرند.

بوی خاک نم‌خورده (آجر آب‌پاشی شده) و عطر گل یاس در غروب‌های تابستان، بخشی جدایی‌ناپذیر از "کیفیت فضایی" حیات‌های ایرانی است که با هیچ معیار مهندسی قابل اندازه‌گیری نیست.



میکرو-کلایمت حیاتی؛ ترکیب حوض آب، سایه درختان و خاک نم‌خورده، گرمای خشک را به نسیمی خنک تبدیل می‌کند.

۶. ایوان؛ مرزِ شفافِ میانِ «تنگ» و «گشاد» □□

ایوان در معماری تهران و قم، حلقه اتصال است. فضایی است که "نه بیرون است و نه درون".

• **در قم:** ایوان‌ها معمولاً بلند، رفیع و عمیق هستند (گاهی دو طبقه) تا سایه‌ای عمیق ایجاد کنند و از ورود مستقیم آفتاب تند کویر به اتاق‌ها جلوگیری کنند.

• **در تهران:** ایوان‌ها گاهی سراسری و با ستون‌های چوبی یا سنگی ظریف (تأثیرپذیری از نئوکلاسیک در اواخر قاجار) دیده می‌شوند.

ایوان فضایی برای "تماشا" است. ساکنین در سایه امن ایوان می‌نشستند و منظره حیاط (نور، آب و گیاه) را تماشا می‌کردند. این فضا، حس حبس بودن در اتاق را از بین می‌برد و گشودگی حیاط را به درون می‌کشید.



ایوان؛ فضایی برای تماشا که نه کاملاً بیرون است و نه کاملاً درون.

۷. قاب‌بندی آسمان؛ اتصال به بی‌نهایت (بعد معنوی) □

آخرین و شاید مهم‌ترین ویژگی، بعد معنوی حیاط است. در بافت فشرده شهری، حیاط مرکزی تنها جایی بود که خط افق را حذف می‌کرد و دید انسان را فقط به سمت "بالا" هدایت می‌کرد. حیاط ایرانی، برشی مستطیلی از آسمان را قاب می‌گیرد. این انحصار دید، باعث تمرکز و آرامش می‌شود.

• **حذف اغتشاش بصری:** شما در حیاط خانه، ساختمان‌های زشت یا شلوغی شهر را نمی‌بینید؛ فقط دیوارهای خودتان را می‌بینید و آسمان خدا را.

• **انعکاس در حوض:** تصویر آسمان و ابرها در حوض آب می‌افتد و آسمان را به روی زمین می‌آورد.

در قم، این ویژگی با مفاهیم عرفانی و مذهبی گره خورده است. حیاط فضایی برای خلوت، عبادت و تفکر بود. فضایی که در عین "خاکی بودن" (باغچه)، "آسمانی" (دید به بالا) نیز بود.



پنجره‌ای به خدا؛ حیاط مرکزی که دید مزاحم شهری را حذف و آسمان را قاب می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: حیاط، گمشده‌ی زندگی آپارتمانی

امروز در تهران و قم، حیاط‌ها تبدیل به پارکینگ شده‌اند و جای حوض را موزاییک‌های سیمانی گرفته است. ما "اتاق بدون سقف" مان را فروختیم و به جایش "تراکم" خریدیم. اما بررسی این ۷ ویژگی نشان می‌دهد که حیاط مرکزی، فقط یک سبک معماری قدیمی نیست؛ بلکه یک "پاسخ ابدی" به نیاز انسان برای ارتباط با طبیعت، نور و آرامش است. ما در **سکرو**

معتقدیم که می‌توان اصول حیات مرکزی را (مثل محرمیت، دید به آسمان، و فضای سبز مرکزی) حتی در مجتمع‌های مسکونی مدرن بازتعریف کرد. شاید نتوانیم گودال‌باغچه بسازیم، اما می‌توانیم "تراس‌های سبز" و "لابی‌های باز" را جایگزین کنیم تا دوباره آسمان را به خانه برگردانیم.

تیم تخصصی سکرو با درک عمیق از الگوهای معماری تهران و قم، آماده مشاوره، طراحی و اجرای ایده‌های ناب شماست. برای شروع گفتگو، همین حالا پیام دهید:

[پیام در واتس‌آپ](#)

[پیام در تلگرام](#)



[اینستاگرام سکرو](#)



[یوتیوب سکرو](#)



واتس آپ سکرو



[تلگرام سکرو](#)



[پینترست سکرو](#)



[آپارت سکرو](#)



X سکرو

برای دانلود نسخه PDF این مقاله باید ثبت‌نام یا وارد حساب کاربری شوید.

[ورود / ثبت‌نام](#)